اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت پنجاه)

تعادل هورمونها (بخش دوم)

انسانهای امروزی، آدم و حوا را بخاطر چشیدن از درخت ممنوعه در بهشت سرزنش میکنند؛ اما غافل از اینکه خودشان هم دارند از همان درخت به شکلی دیگر استفاده میکنند و به همان طریقی فریب میخورند که آدم و حوا فریب خوردند. خیلی ساده لوحانه است که فکر کنیم، درخت ممنوعه یک سیب بوده است. درخت ممنوعه هر آنچیزی است که متضاد سیستم رحمانی است. در قسمت ۴۷ اُم جادوی شیاطین در مورد تعادل هورمونها بحث شد و نکات مهمی در آن قسمت بررسی نشد که در اینجا بررسی میشوند. در قسمت قبلی عرض شد که هورمونهای دوپامین و سروتونین و اُکسی توسین و اندورفین و استروژن و ... نقش مهمی در تعادل طبیعی بدن ما دارند. افزایش یا کاهش غیر طبیعی هر کدام از اینها، تعادل خُلق و خوی افراد را به هم می

ریزد. مثلا هورمون دوپامین نقش عمده ای در بدن انسان دارد. بیشتر فعالیتهای ضروری انسان که برای زندگی و بقای نسل لازم است؛ با آزادسازی این هورمون همراه است. خدای بزرگ با این روش میخواهد که انسان را به انجام فعالیتهای روزانه تشویق کند و آنان را به حرکت وا دارد.

اما زیاده روی و افراط و تفریط در هر کدام از این هورمونها، مزاج و خُلق و خوی افراد را تحت تاثیر قرار میدهد و سیستم طبیعی ما را به هم می ریزد. اگر سرنخ اعتیاد به مواد مخدر و یا اعتیادهای دیگر را ریزتر بررسی کنیم؛ در نهایت به مغز انسان و ترشح غیر طبیعی این هورمونها می رسیم. حتی خوردن غذاها هم باعث تولید دوپامین خواهد شد و به همین جهت است که ما از غذا خوردن لذت می بریم. فرد پرخور با میل غذای بیشتر سعی می کند تا به احساس لذت حاصل از خوردن آن غذا دست پیدا کند. و هر بار مجبور است که میزان غذا را افزایش دهد که این خود باعث چاقي و افزایش چربی بدن میشود. این موضوع شباهت زیادی به اعتیاد به مواد مخدر دارد. در روزه داری، بعلت قطع خوردن و آشامیدن و اعمال جنسي؛ مقدار هورمونها به حالت عادی بر میگردند و کسانی که در طول سال به مقدار زیاد این هورمونها عادت کرده اند، به زحمت می افتند و روزه فرصت مناسبی است برای متعادل کردن این هورمونها و البته این نوع سختی خوب است و جزو فرآیند طبیعی سالم سازی بدن است. ماه رمضان بزرگترین کمپ ترک اعتیاد لذتهاست. وقتی خدا می فرماید که كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ ، **یعنی روزه بر ما انسانها از طرف خدا نوشته شده است و**

فرض شده است. نوشتن (کُتِبَ) در سیستم رحمانی به این معناست که در این دنیا برای زندگی سالم و متعادل روی زمین، به چنین روشی نیازمندیم. خدا خودش ما را آفریده است و میداند که روزه برای نگهداشتن تعادل هورمونهای بدن ضروری است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزگاری کنید (۱۸۳)

شجره زقوم که در جهنم می روید چه ربطی به تعادل هورمونها دارد؟

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾

آری درخت زقوم (۴۳)

طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾

خوراك گناه پیشه است (۴۴)

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾

چون مس گداخته در شکمها می گدازد (۴۵)

كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾

همانند جوشش آب جوشان (۴۶)

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾

او را بگیرید و به میان دوزخش بکشانید (۴۷)

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾

آنگاه از عذاب آب جوشان بر سرش فرو ریزید (۴۸)

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾

بچش که تو همان ارجمند بزرگواری (۴۹)

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾

این است همان چیزی که در باره آن تردید میکردید (۵۰)

بعضی ها درخت زقوم را به درختی در این دنیا تشبیه کرده اند که این تشبیه اشتباه است. درخت زقوم در جهنم، بر هم زننده تعادل طبیعی بدن است. جهنمیان از میوه این درخت میخورند. میوه این درخت یک فوق مخدر بسیار قوی است که با یک بار خوردن، افراد را گرفتار میکند و با آنکه زجرآور است ولی جهنمیان مجبورند که مکررا از آن بخورند و دوباره سراغ آن خواهند رفت. آیات زیر ثابت میکند که مصرف کنندگان زقوم دوباره مجبورند به مصرف آن روی بیاورند. ابتدا در آیه(إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ **) خدا می فرماید که درخت زقوم از قعر جحیم رشد می کند و**

از آن بیرون می آید و در ادامه می فرماید (ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ **) سپس مصرف کنندگان بعد از مصرف، دوباره به جحیم بر می گردند. مصرف درختی که در جحیم است و ماجرای برگشت به جحیم بعد از مصرف؛ همان اعتیاد به زقوم است. همان سیکل باطل است. در ادامه میفرماید که** ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿۴۹﴾ بچش که تو همان ارجمند بزرگواری (۴۹) **این آیه تلویحا به این موضوع اشاره دارد که افراد در دنیا برای بدست آوردن عزت و کرامت و بزرگی به سمت مصرف مخدرات (شامل مواد مخدر، اشعار، آهنگهای آلفایی و فیلمهای آلفایی و خیالپردازیها و گناهان ...) می روند و در جهنم، به اندازه کافی این نوع زجرها در اختیار آنان قرار می گیرد و تلویحا به آنان گفته میشود که شما همانهایی هستی که با این نوع هورمونها میخواستید به عزت و کرامت و شخصیت و اقتدار برسید، اما الان همه اینها در اختیار شماست (**بچش که تو همان ارجمند بزرگواری**) و شما به اشتباه فکر میکردید که برای شما عزت و کرامت می آورد ولی الان که شیطان از ماجرا حذف شده است و قادر به تزئین اینها نیست، اصل ماجرا را درک میکنید و می بینید که اینها کرامت و عزت نمی آورد که هیچ ، بلکه صد درصدش عذاب است و دردناک.**

أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿۶۲﴾

آیا از نظر پذیرایی این بهتر است یا درخت زقوم (۶۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿۶۳﴾

در حقیقت ما آن را برای ستمگران [مایه آزمایش و] عذابی گردانیدیم (۶۳)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾

آن درختی است که از قعر آتش سوزان می روید (۶۴)

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾

میوه اش گویی چون کله های شیاطین است (۶۵)

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾

پس [دوزخیان] حتما از آن می خورند و شکمها را از آن پر می کنند (۶۶)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾

سپس ایشان را بر سر آن آمیغی از آب جوشان است (۶۷)

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾

آنگاه بازگشتشان بی گمان به سوی دوزخ است (۶۸)

براحتی میتوان از آیات نتیجه گرفت که زقوم یک ماده مخدر فوق قوی است که میلیونها برابر از ماده مخدر شیشه و کرک قوی تر است و افراد با یک بار مصرف تا ابد گرفتارش میشوند. به همین خاطر خدا میفرماید که جهنمیان تا ابد در جهنم گرفتار میشوند. البته این نوع زندگی در جهنم را خود مردم برای خود در این دنیا انتخاب کرده اند و این نتیجه کارهای خودشان است (هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ**). درد ناشی از مخدرات به این خاطر است که هورمونهای صادره در داخل رگها و حتی مویرگها جریان دارد و وقتی بدن نیاز پیدا کند؛ تمام رگها و مویرگها شروع به درد میکنند.**

رگ و مویرگ در بدن انسان پخش شده است و مثل یک درخت و شاخ و برگهایش در بدن پخش است و به این طریق در جهنم تمام وجود انسان از ریشه درد می کند و افراد مجبورند که دوباره به جحیم بر گردند.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾

آنگاه شما ای گمراهان دروغپرداز (۵۱)

لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾

قطعا از درختی که از زقوم است خواهید خورد (۵۲)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾

و از آن شکمهایتان را خواهید آکند (۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾

و روی آن از آب جوش می نوشید (۵۴)

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾

[مانند] نوشیدن اشتران تشنه (۵۵)

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾

این است پذیرایی آنان در روز جزا (۵۶)

درخت زقوم در جحیم بوجود می آید ولی از هم اکنون افراد جهنمی دارند خود را به آن وصل میکنند و به همین خاطر خدا می فرماید که جهنم بر کافران محیط است (وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ **).**

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۵۴﴾

و شتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعا بر کافران احاطه دارد (۵۴)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۴۹﴾

و از آنان کسی است که می گوید مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه ام مینداز هش‌دار که آنان خود به فتنه افتاده اند و بی تردید جهنم بر کافران احاطه دارد (۴۹)

وقتی خیالپردازی می کنی و یا فیلم نگاه میکنی، باید توجه کنید که ممکن است که به این درخت متوسل و وصل شده باشید. خوردن در معنای کلی به معنای هر آنچه است که باعث ترشح هورمونها میشود و صرفا منظور خوردن غذا نیست. زیرا هر آنچه که باعث ترشح غیرعادی هورمونها در بدن شود؛ از دیدگاه کلی یک نوع انرژی و هورمون برای بدن تهیه میکند. در قرآن خدا می فرماید که غیبت کردن یعنی خوردن گوشت مرده برادر خود. یا خدا از لفظ خوردن برای ربا استفاده میکند. یا در آیه دیگری خدای مهربان، دل دادن به غیر خدا را به عنوان یک نوع نوشیدن ذکر کرده است. همانطور که بنی اسرائیل در برهه ای از زمان دل به گوساله پرستی داده

بودند و گوساله پرستی مثل یک مایع در قلب آنان جریان داشت (وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ**).**

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾

و آنگاه که از شما پیمان محکم گرفتیم و [کوه] طور را بر فراز شما برافراشتیم [و گفتیم] آنچه را به شما داده ایم به جد و جهد بگیرید و [به دستورهای آن] گوش فرا دهید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بر اثر کفرشان [مهر] گوساله در دلشان سرشته شد بگو اگر مؤمنید [بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی وامی دارد (۹۳)

این نوع لذتهای کاذب همان درخت ممنوعه است که خدا آن را برای بشر منع کرده است. این نوع لذت ؛ آدمی را از بهشت بیرون کرد. اینبار هم میتواند آدمی را به جهنم ببرد ، تا آنجا از شجره زقوم بچشد. شجره زقوم یک لذت کاذب (درد) بسیار قوی است که افراد با خوردنش، دیگر نمیتوانند ترکش کنند و تا ابد گرفتارش میشوند و جالب آن است که سیرشان نمی کند و اما مجبورند که بخورند. زنجیری که در جهنم از آن صحبت میشود؛ همین وابستگی هاست که در آنجا بسیار قوی است.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (۸۳)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۸۴﴾

هر کس نیکی به میان آورد برای او [پاداشی] بهتر از آن خواهد بود و هر کس بدی به میان آورد کسانی که کارهای بد کرده اند جز سزای آنچه کرده اند نخواهند یافت (۸۴)

گرفتار یک ماده مخدر و یا یک محیط مخدر فوق قوی در جهنم شدن، نتیجه اعمال خود جهنمیان است. از نظر کلام خدا، کسانی که کارهای بد کرده اند جز سزای آنچه کرده اند نخواهند یافت. کسی که در این دنیای فانی، همیشه دنبال عادتهاست و به این عادتها معتاد میشود؛ در محیط جهنم، همین مخدرهای دنیایی که در این دنیا به آن عادت کرده بوده است، در اختیار اوست. فرق مخدر این دنیا با جهنم این است که مخدر جهنم فوق قوی است و افراد تا ابد گرفتارش میشوند.

یک ضرب المثل معروف است که می گوید : *ترک عادت موجب مرض است*. **این ضرب المثل دید و بینش قدیمی ها را نسبت به بعضی قضایا مطرح میکند ولی در اصل این ضرب المثل اشتباه است. اتفاقا عدم ترک عادت موجب مرض است. ترک عادت شاید در ابتدا همراه با مقداری سختی باشد، ولی در نهایت آزادگی به همراه دارد. زیرا در اصل ترک عادت، یعنی خود را از شجره جهنمی رهانیدن. آزادی واقعی یعنی این. سختی و رنج ترک لذتهای حرام ، را نمیتوان مرض نام نهاد، بلکه سختی بیرون آمدن از آن حالت است. همراه با هر سختیی، آسانیی است و لذت واقعی در این است.**

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾
پس [بدان که] با دشواری آسانی است (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾
آری با دشواری آسانی است (۶)

دوبار این آیه مهم تکرار شده است، تا افراد به خواب رفته را بیدار کند. شما اگر بخواهی یکی که خواب است را را بیدار کنید، با یک بار صدا زدن بیدار نمیشود و این در ۹۹ درصد موارد صدق میکند. بلکه باید حداقل دوبار صدا بزنید تا فرد به خواب رفته بیدار شود. به همین خاطر خدا با تکرار پشت سر هم این آیه مهم، میخواهد بفرماید که "ترک عادت موجب مرض نیست و بلکه موجب سلامتی است".

افرادی هستند که زیاد میخورند و تعادل را نگه نمی دارند و بعد که مشکل چربی و سلامتی پیدا میکنند، دنبال قرص لاغری (با علم بر اینکه هزاران عوارض دارد) میروند و یا با عمل جراحی ، معده خود را کوچک میکنند؛ تا که عادتشان را ترک کنند. همین مورد اثبات میکند که ترک عادت چندان هم ساده نیست و عادت به سطح هورمون خاصی در طول زندگی، بسیار خطرناک است.

یکی میگفت که : من برای رسیدن به آرزوهایم، هر کاری میکنم!

وقتی از آرزوها حرف میزنیم؛ بیشترش مربوط به لذتهای دنیوی است که دارای سطح هورمون بالاتری است. امکانات این دنیا به قول خدای حکیم، تفاخر و لهو و لعب است. خدا از این دنیا به عنوان متاع قلیل (امکانات کم و گذرا و فانی) یاد میکند. بنابراین کسی که چنین حرفی میزند، دراصل میخواهد بگوید که: (من برای رسیدن به متاع قلیل و لهو و لعب این دنیا، هر کاری میکنم**!**) **و این معامله بسیار مضری است و خسران واقعی یعنی این.**

در وب گردی های بی هدف مغز ما یک بار خوشحال و یک بار غمگین است. یک کلیپ می بینیم که استرس به همراه دارد، کلیپ دیگر ترس به همراه دارد، کلیپ بعدی زندگی مرفه سلبریتی ها را می بینید و غبطه میخورید و ... یک بار پر استرس و یک بار همراه با ترس و یکبار حسادت و یکبار غبطه خوردن و یکبار ... تمام این حالات در طول نیم ساعت وبگردی رخ میدهد و مغز ما در حالت های گوناگون به سر می برد. این بالا و پایین آمدن های ناگهانی هورمون ها باعث ناراحتی های زیادی در بدن ما خواهد شد. یک ساعت وبگردی کردن اینجوری پر از استرس و پر از ترس و پر از غبطه به اندازه یک روز خستگی می آورد. عدم تعادل هورمون ها جسم ما را تحت تاثیر قرار می دهد چنین فردی اگر در زندگی واقعی خودش مشکلی برای او پیش آید، تکانشهای ترس و استرس بیش از حد، او را از پای در خواهد آورد. بعضی افراد همین که از خواب بیدار میشوند، اولین کاری که میکنند، فضای اینترنت و پیامهایشان را چک میکنند و یک ساعت مشغول این کار میشوند و بعد از یک

ساعت وبگردی، دوباره خسته اند. خستگی آنان به این خاطر است که آنان در طول این یک ساعت، هورمونهای خود را به حالتی از افراط و تفریط سوق میدهند و همین باعث خستگی ذهنی آنان میشود.

یک بدنساز به طور مصنوعی هورمون های بدن خود را بسیار افزایش و کاهش میدهد و بعضی ها هم از طریق کسب و کار و فعالیت های طبیعی این کار را انجام میدهند و خود را به سقف هورمون طبیعی عادت میدهند. روش دومی بسیار مناسب تر و کاراتر است و مانا تر است.

انسان ضعیف خلق شده است (خلق الانسن ضعیفا) . با بالا آمدن و یا پایین آمدن بعضی هورمون ها فکر می کند که دنیایش به آخر رسیده است. افسرده می شود یعنی کمبود هورمون دوپامین و در این حالت ناامید می شود. از روش های خدا برای تنظیم هورمون بدنش استفاده نمی‌کند و در نتیجه افسردگی اندر افسردگی برای او پیش می آید. به همین خاطر خدا میفرماید که از خدا نا امید نشوید و فقط کافران از خدا نا امید میشوند.

کسب دوپامین زیاد و افراطی اگر کنترل نشود نوعی سندروم است مثل سندروم دست بی قرار و یا پای بی قرار. اگر دوپامین زیاد شود و افراد صبر نداشته باشند و تحت تاثیر آن قرار گیرند، اسکیزوفرنی درست می‌شود. دوپامین نوعی جنگ و گریز است تصور کنید که یک خرس شما را دنبال می‌کند هورمون مخصوص ترس بالا می رود

تا حس حرکت پیدا کنی و فرار کنی؛ اما اگرهورمونهای بدن شما نامیزان باشد، شاید به وقتش خطرات را تشخیص ندهید و خرس به شما آسیب برساند. کسانی که بطور مصنوعی هورمونهای خود را بالا می برند، در حین خطرات، فکری برای خود نمی کنند و حتی خطرات را چندان حس نمی کنند. ممکن است در لبه یک ساختمان بلند حرکت کنند و از آنجا که هورمونهای آنان نامیزان است، حسهای طبیعی آنان خطرات راحس نمی کند و ممکن است خودرا به کشتن دهند.

در قماربازی، فرد در حین باخت هورمونهایش پایین میاید و در نتیجه حس ناخوشایندی به مالباخته دست میدهد و او از سرِ نا آگاهی این مشکل را به طرف مقابل خود نسبت و ربط میدهد و به این طریق کینه و عداوت بوجود میاید. عشق هم مثل قمار است. زندگی های مبتنی بر عشق، فرد هر گونه کمبود و حس ناخوشانید در زندگی را به فرد مقابل و زوجش ربط میدهد. به همین خاطر خدا از کلمه شیطانی عشق در قرآن استفاده نفرموده است و از مودت و رحمت استفاده می فرماید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید (۹۰)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾

همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی دارید (۹۱)

خدای مهربان، در آیه بالایی، مخدرات و قمار و بتها و تیرهای قرعه را در یک کلمه، عَمَلِ الشَّيْطَانِ نامیده است. یعنی اینها هورمونها و سیستم کالبدی انسان را دستکاری کرده و او را از حالت تعادل خارج میکنند و روانگردانی میکنند و این فرآیند عَمَلِ الشَّيْطَانِ نامیده شده است. عمل الشیطان به زبان ساده همان روانگردانی است. بوسیله روانگردانی، شیطان سوار مغز افراد میشود.

قبلا از یک فیلم ساده لذت میبردی ولی حالا از یک فیلم سیصد قسمتی هم لذت چندانی نمی بری. زیرا سقف ومقاومت هورمونهای خود را نامیزان کرده ای.

یکبار یکی گفت که آیا ضرب المثل "مستی و راستی" معنای درستی دارد. این ضرب المثل شیطانی بطرز زیرکانه ای میخواهد بگوید که راستی در مستی است. یک فرد مست، نمیتواند جلو زبان خودش را بگیرد و هر چیزی که به ذهنش میرسد (صحیح و ناصحیح) را بیان میکند و این مورد مخالف خودآگاهی انسان است. آیا ما باید هرچیزی را که دیدیم، آرزو کنیم! آیا ما هر چیزی را که میبینیم میتوانیم بخوریم؟ آیا ما هر چیزی را باید ببینیم و یا بشنویم؟ آیا ما هر چیزی را که به ذهنمان رسید

باید به زبان بیاوریم؟ آیا انسان هر چیزی را باید آزمایش کند؟ قطعا جواب این سوالات خیر است. زیرا کنترل نفس و تزکیه نفس یعنی ما باید کنترل زبان و گوش و چشم و سایر اعضای بدن خویش را همیشه در دست داشته باشیم. بنابراین ضرب المثل مستی و راستی یک مفهوم شیطانی پشت آن است که میخواهد دنیای مستی و خماری (تله شیطان) را خوب نمایش دهد.

بعضی را دیده‌ای که میگویند امروز ناخوشم، ناسازم ، کوک نیستم. این حرفها بخاطر عدم تعادل هورمونهای مختلف در بدن است که ناشی از افراط و تفریط های قبلی است. انسان در مقابل کمبود و یا سرریز هورمونهای تولید شده در بدن خود (به هر علتی اعم از استرس، ناراحتی، غم ، اندوه، شادی، هیجان و ...) چندین راه پیش رو دارد.

الف: یکی اینکه هیجانات پیش آمده را با کارهای خطرناک خالی کند و غم و اندوه را با دشنام و غیبت و ناسپاسی و ناشکری خالی کند و یا اینکه مواد مخدر مصرف کند و یا اینکه در دیدن فیلم و آهنگها زیاده روی کند و به این روشهای مصنوعی، هورمونها را بالا و پایین ببرد. به این میگویند روانگردانی و عمل شیطان.

ب : دومین راه حل، که یک راه حل قرآنی است، صبر است. صبر بطرز خارق العاده ای تمام هورمونها را طبق سیستم رحمانی در بدن ما تنظیم میکند. خدا با صابران است. این نکته فوق العاده و خیلی مهم است. از جمله کسانی که بهشت برین را برای خود می خرند، کسانی هستند که خشم خود را فرو می خورند (وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ) **و مردم را می بخشند.**

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۳۴﴾

همانان كه در فراخى و تنگى انفاق مى كنند و خشم خود را فرو مى برند و از مردم در مى گذرند و خدا نكوكاران را دوست دارد (۱۳۴)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۳۵﴾

و آنان كه چون كار زشتى كنند يا بر خود ستم روا دارند خدا را به ياد مى آورند و براى گناهانشان آمرزش مى خواهند و چه كسى جز خدا گناهان را مى آمرزد و بر آنچه مرتكب شده اند با آنكه مى دانند [كه گناه است] پافشارى نمى كنند (۱۳۵)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿۱۳۶﴾

آنان پاداششان آمرزشى از جانب پروردگارشان و بوستانهايى است كه از زير [درختان] آن جويبارها روان است جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل چه نيكوست (۱۳۶)

یکی از ابزارهای مهم در این دنیای فانی، صبر است که بوسیله آن میتوانیم از نفوذ شیطان بر هورمونهای بدن خویش جلوگیری کنیم. بوسیله صبر است که شیطان از وسوسه های خود نا امید شده و به هدف خود نمیرسد.

یکی از خصوصیات بزرگ و عجیب در جهنم این است که هیچکدام از این دو روش را در جهنم نمیتوان اجرا کرد. گناهکاران در جهنم میگویند که (سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ) **چه بی تابی کنیم چه صبر نماییم برای ما یکسان است ما را راه گریزی نیست.** جَزِعْنَا **مربوط به راه حل اول است (یعنی تخلیه هیجانات و غمها به روش نادرست) و** صَبَرْنَا **مربوط به روش ایمانداران است.**

بَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿۲۱﴾

و همگی در برابر خدا ظاهر می شوند پس ناتوانان به گردنکشان می گویند ما پیروان شما بودیم آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می کنید می گویند اگر خدا ما را هدایت کرده بود قطعا شما را هدایت میکردیم چه بی تابی کنیم چه صبر نماییم برای ما یکسان است ما را راه گریزی نیست (۲۱)

در این دنیای فانی، مردم صبر و یا جزع را به دلخواه خود انتخاب میکنند. این دنیا ، جای انتخاب است. اما در جهنم هیچکدام از این دو روش، کار ساز نیست. یعنی حتی نمیتوان با توهین و دشنام و غیبت و ناسپاسی و کفر، تخلیه روانی انجام داد و این به آن معناست که حتی نمیتوان به دروغ هم خود را تخلیه کرد و صبر هم بیفایده است. طراحی هورمونهای کالبد جهنمی افراد طوری است که هورمونها را نمیتوان با صبر آرام کرد و یا آن را تخلیه کرد.

هر روشی که انسان به غلط بودن آن ایمان داشته باشد ولی در زندگی خویش از آن استفاده کند، جادو نامیده میشود. بعضی ها برای فرار از پیری، عملهای جراحی متعدد انجام میدهند، با آنکه میدانند غلط! است و این یک اعتیاد و جادو است. دل بستن به زیبایی ظاهری ، زمانی که سن بالا رود، اثرات مخربش را نشان میدهد و افراد برای حفظ موقعیت هورمونهای تولید شده بدن خود، دست به جوانسازی بدن خویش میزنند؛ در حالیکه کالبد آنان پیر شده است و نمیتوان به این روشها خود را جوانتر نشان داد. در آخرین آیه سوره بقره، خدا میفرماید که لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ . آنچه (از خوبی) به دست آورده به سود او (لَهَا مَا كَسَبَتْ)، و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست (وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ). یکی تلاش میکند که زندگی عادی را طی کند و اعمال صالح انجام دهد و این همان "لها ما کسبت" است. اما عده ای هم تلاش میکنند که خود را با روشهای غیر معمول جوانتر نشان دهند و خود و سایرین را فریب دهند

و پول خود را هدر دهند و این همان "علیها ما اکتسبت" است. یعنی تلاش و کوششان علیه خودشان است و بیهوده است.

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آنچه (از خوبی) به دست آورده به سود او، و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر (دوش) ما مگذار؛ همچنانکه بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. (۲۸۶)

مطلبی را اینجا عرض کنم که تا بحال گفته نشده است. بزرگترین و خطرناکترین اعتیاد انسانها، اعتیاد به فلسفه زندگی است. باور به فلسفه های غلط تمام مسیر زندگی افراد را تا آخر عوض میکند. مثل این است که مسیر را از اول اشتباه انتخاب کرده باشید. مثلا اگر کسی فلسفه زندگیش را رسیدن به لذت انتخاب کند، هیچوقت خوشبخت نخواهد شد. انتخاب لذت گرائی به عنوان هدف زندگی، قطعا افراط و تفریط به دنبال دارد و افراط و تفریط و اسراف در سیستم رحمانی جایی ندارد. در سوره الفاتحه، الضالین کسانی هستند که فلسفه اشتباه در زندگی برای خویش انتخاب میکنند. فلسفه زندگی در قرآن "دین" نامیده شده است. یوم الدین یعنی روزی که فلسفه واقعی زندگی برای همگی مشخص میشود. وقتی خدا میفرماید که با مشرکین

ازدواج نکنید؛ یعنی اینکه ازدواج دو نفر با دو فلسفه متضاد، اشتباه است. مشرک و موحد دو فلسفه و دید متفاوت و حتی متضاد نسبت به زندگی دارند. یعنی این دو، دو دین مختلف دارند. ازدواج ، به معنای ازدواج "فقط دو کالبد بشری از نظر جنسی" نیست، بلکه ازدواج دو فرد هدف دار است. ازواج باید همدیگر را به سمت خدا فراخوانند و در این راه همدیگر را کمک کنند و هدف اصلی ازدواج همین است. عشق اهداف ازدواج را نابوده کرده است و افراد بجای کمک همدیگر در تزکیه نفس و رشد آن، به رقیبان و دشمن و مالک همدیگر تبدیل میشوند.

در سیستم خدا جمع اضداد امکان پذیر نیست و یوم الدین همه این اختلافات قضاوت خواهد شد. خدای مهربان برای جلوگیری از جمع اضداد، حتی روش زندگی (دین) را برای ما مشخص نموده است (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا **) . در روز قیامت، فلسفه های زندگی قضاوت خواهند شد. جهنم جایی است که برای افراد با فلسفه های اشتباه در زندگی، طراحی شده است. کسی که در این دنیای فانی، همیشه دنبال لذت باشد و خود را معتاد کند؛ در جهنم، میوه زقوم در اختیار او قرار داده میشود که به معنای واقعی ماده مخدر است و کسانی که مصرف کنند؛ برای همیشه گرفتارش میشوند. تصور نکنید که زقوم لذت بخش است، بلکه تماما درد است و زنجیر و بردگی. در آن روز شیطان نمیتواند این مواد را تزئین کند و افراد را فریب دهد و بنابراین ماهیت واقعی این مواد مشخص خواهد شد. تمام فلسفه های غلط زندگی، در روز دین، غلط بودنشان مشخص میشود و افراد به همان فلسفه ها سپرده میشوند. جحیم قسمتی است در جهنم و چنین جایی است و بد جایگاهی است.**